

الواح احبای میلان

وحید رأفتی

به لطف نوادگان جناب حاجی میرزا احمد میلانی فتوکپی دو مجموعه خطی از الواح صادره از اقلام طلعات مقدسه بهائی خطاب به جناب حاجی احمد میلانی و اعضای عائله ایشان و بعضی دیگر از احبای میلان به دست حقیر رسیده که در ذیل به معرفی و توضیح اجمالی بعضی از مطالب مطروحه در این الواح می‌پردازد.

مجموعه اول که جناب مارک مدسین (Marc Chauvet Medecin) آن را در اختیار این عبد گذاشته‌اند در ۴۰۷ صفحه با خط دست بوسیله جناب حسین لامع کتابت شده است. هر صفحه این مجموعه نفیسه شامل پانزده سطر می‌باشد و در صفحه آخر این مجموعه چنین آمده است:

"هو - کلیه الواح فامیلی و غیره نازله از قلم جمال اقدس ابهی جلّ ثنائه و کلک گهربار حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فاده را محض یادگاری به جهت برادر عزیزتر از جان و روان آقا میرزا جلال احمدزاده میلانی استنساخ نمود. امید است که مطبوع و مقبول واقع گردیده و در حین تلاوت تذکاری برای طلب عفو و غفران جهت این عبد ذلیل باشد. به تاریخ روز سه شنبه ۱۱ شهرالاسماء سنه ۱۱۲ بدیع مطابق ۷ شهریور ماه ۱۳۳۴ خورشیدی [۲۹ اگست ۱۹۶۵م]. لامع".

این مجموعه مبارکه از ابتدا تا صفحه ۲۵۲ شامل الواح جمال قدم است و پس از صفحات ۲۵۳-۲۵۵ که سفید مانده صفحات ۲۵۶ تا ۴۰۱ آن اختصاص به درج مکاتیب حضرت عبدالبهاء پیدا نموده و چند صفحه آخر شامل دو دستخط از آثار حضرت ورقه مبارکه علیا است. الواح مندرج در این مجموعه غالباً خطاب به جناب حاجی احمد میلانی و اعضای عائله ایشان مرقوم شده و بعضی از الواح مندرج در آن به اعزاز سایر احبای الهی در میلان و بلاد تقلیس و بادکوبه عزّ صدور یافته است. اکثر مندرجات این مجموعه به زبان فارسی و عربی است و چند مکتوب حضرت عبدالبهاء که به زبان ترکی مرقوم شده نیز در آن به چشم می‌خورد.

جناب مارک مدسین که این مجموعه را به لطف در اختیار حقیر گذاشته اند نوه معنویه خانم حکیم هستند که دختر جناب حسین لامع بوده اند. جناب حسین لامع کاتب این مجموعه فرزند حاجی محمدعلی و ایشان یکی از اولاد جناب حاجی احمد میلانی بوده اند.

مجموعه دوم که آن هم به خط جناب حسین لامع در ۲۲۴ صفحه کتابت شده در صفحه اول حاوی این عبارات است:

"مجموعه ای از الواح مقدسه متعالیه حضرت بهاءالله جلت عظمته و ثنانه که به افتخار جناب حاجی احمد میلانی و اولاد و فامیل او نازل گشته".

جناب لامع در ذیل صفحه آخر، یعنی در صفحه ۲۲۴ این مجموعه نیز چنین مرقوم فرموده اند: "محض یادگاری جهت نور دیده عزیزم رضوانیه خانم فرقانی نوه عموی بزرگوارم تحریر نمود. در تاریخ روز سه شنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۳۶ برابر با دهم شهرالعلاء ۱۱۴ بدیع [۱۱ مارچ ۱۹۵۸م]. عید ذلیل حسین لامع".

این مجموعه به لطف جناب ویکتور فرقانی فرزند جناب سهیل فرقانی و نوه رضوانیه خانم فرقانی به دست حقیر رسیده و لطف و مرحمت ایشان مایه تشکر و امتنان قلبی است. رضوانیه خانم فرقانی فرزند غلام اسبقی و غلام فرزند سلیمه خانم و سلیمه دختر آقا محمد باقر بوده و محمد باقر یکی از پسران حاجی احمد میلانی است. نکته ای که در باره مندرجات این مجموعه باید خاطر نشان شود آن است که همه الواح موجود در آن از آثار جمال قدم بوده و تمام آن الواح در مجموعه اول که وصف آن گذشت نیز کتابت شده و موجود است. نکته دیگر آن که الواح مبارکه مندرج در این دو مجلد تا آنجا که ملاحظات این عید نشان می‌دهد کمتر به دست طبع و انتشار سپرده شده و در مجلدات چاپ شده الواح مبارکه ملاحظه نمی‌گردد.^۱

باری، حاجی احمد پسر میرزا علی اکبر میلانی است و علی اکبر را پسر دیگری نیز به نام حاجی میرزا محمد تقی بوده است. حاجی احمد از قدمای احبای آذربایجان بوده و در آثار حضرت رب اعلیٰ به «اسبق» ملقب گشته و ارزش ابجدی «اسبق» با «حاجی میلانی» برابر است، یعنی رقم ۱۶۳ می‌باشد. حاجی محمد تقی میلانی نیز در آثار حضرت رب اعلیٰ به «فتیق» ملقب شده و کلمه «فتیق» نیز با «مم تقی» (مخفف محمد تقی) یعنی رقم ۵۹۰ از نظر ارزش ابجدی مطابق است.

حاجی احمد میلانی کسی است که عرش مطهر حضرت رب اعلیٰ پس از شهادت مدتی در کارخانه حریر بافی او در تبریز مخفی بوده و سپس آن عرش مقدس به طهران انتقال یافته است. حاجی احمد و اولاد او در صفحات آذربایجان مصدر خدمات مهمه عیدیه مستمره بوده، مورد ادبیت و آزار فراوان قرار گرفته، مال و منال آنان بارها به غارت رفته و مورد صدمات طاقت‌فرسا واقع شده اند.

جناب فاضل مازندرانی در مجلد هشتم کتاب ظهور الحق در باره جناب حاجی احمد میلانی و اولاد ایشان چنین نوشته اند که: "... از وجوه مؤمنین مخلصین ابناء حاجی احمد میلانی معروف، برادران احمد اف خصوصاً حاجی محمدعلی، اکبر اخوان، که در تبریز خانه خریده اقامت نمود و میرزا عنایت، اصغر اخوان، که سالها در تبریز و طهران عضو محفل روحانی و محفل ملی بهائی و رایت مرتفعه امر ابهی است نیز در بخش سابق مسطور داشتیم و تجارتخانه برادران احمد اف مخصوصاً در تقلیس مرکز این فئه و محل پذیرائی از مسافرین و واسطه ارسال مراسلات به ارض مقصود بود و این خانواده وسیعه جمعیتی از ذکور و اناث فراهم آورد که آحادشان با تعلق و حمیت دینیّه ارثیه و اکتسابیه

در آذربایجان، طهران و غیرهما به نصرت و خدمت پرداختند و در اثر انقلاب بلشویکی در خاک روسیه تجارتشان پراکنده شده از میان رفت...^۲

جناب فاضل مازندرانی همچنین در صفحه ۵۰۵ مجلد چهارم کتاب اسرار الآثار فقره ای از لوح جمال قدم را که حاوی ذکری از جناب حاجی احمد و اولاد ایشان می باشد نقل فرموده اند. متن فقره مزبور به نقل از مجموعه اول مذکور در فوق به این شرح است:

"... نذکر الف و الحاء [احمد] لیفرح و یکون من الشاکرین فی العشی و الاشراق. یا احمد نشهد انک فزت بآیاتی و سمعت ندائی و اقبلت الی افقی اذ کان القوم فی غفلة و ضلال. طوبی لک و لمن ذکرک بما انزلہ الرحمن فی الالواح و طوبی لمقبل ما منعتہ سطوة العباد عن الله رب الارباب. و نذکر محمداً قبلی علی و نبشره بعنایتی و فضلی الذی سبق العباد اسمع النداء من القلم الاعلیٰ انه ذکرک بما قرّرت به الابصار. انزلنا لک لوحا و ارسلناه الیک من قبل لتفرح و تكون فی وله و انجذاب. و نذکر من سمی بمحمد صادق الذی اقبل الی الافق الاعلیٰ اذ کان القوم معرضین عن الله رب الارباب. اشکرالله بما ذکرک لسان العظمة اذ کان المظلوم بین یدی الاشرار. قد شربت كأس العطاء من ید ربک مولی الوری و فزت بما کان مسطوراً فی الزبیر و الالواح. نسئل الله ان یمدک و یؤیدک علی الذکر و الثناء انه لهو العزیز العلام. یا قلم اذکر من سمی بمحمد قبل باقر الذی فاز بایام الله منزل الآیات قد اقبل اذ عرض عن الله من فی الاقطار. قد اخذ الکتاب اذ نبذوا الذین انکروا حق الله و برهانه و کفروا بما اتبعوا کلّ جاهل مرتاب. انا ذکرناک من قبل و فی هذا الحین ان ربک هو المقتدر المختار. و نذکر علی قبل اکبر فی منظر الانور لیشهد له ذکرالله بدوام اسمائه و صفاته انه هو العزیز الغفار..."^۳

همان طور که در لوح فوق مذکور شده و جناب فاضل نیز اشاره فرموده اند حاجی احمد میلانی را فرزندان متعددی بوده است. از قرار معلوم از ازدواج اول حاجی احمد که با خانمی به نام فاطمه صورت گرفته دو دختر به نامهای محترم خانم و زهراء سلطان و پسرانی به اسامی محمدعلی، علی اکبر، محمد صادق، محمد باقر، و علی محمد به منصب ظهور رسیده اند. نتیجه ازدواج دوم ایشان با خانمی به نام نرگس یک پسر بوده که عنایت الله نام یافته و با نام خانوادگی احمدپورمیلانی سالها در جامعه بهائی ایران موفق به خدمات ارزنده گردیده و از جمله در اولین محفل روحانی ملی بهائیان ایران نیز عضویت یافته است.^۴

تهیه شجره نامه مفصل این عائله منوط به مطالعات آیندگان است، اما آنچه فعلاً به اختصار در باره اولاد جناب حاجی احمد میلانی می توان گفت به شرح ذیل است:

همان طور که اشاره شد حاجی احمد را دو دختر به نامهای محترم خانم و زهراء سلطان بوده و اسامی پسران جناب حاجی و اولاد آنان به این شرح است:

محمدعلی که پدر احمد، جلال، و حسین لامع بوده و دختری به نام طوبی نیز داشته است.

علی اکبر که از اولاد و احفاد ایشان حقیر را اطلاعی در دست نیست.

محمد صادق که پسرانی به نام شعاع الله، محمد تقی و احمد و دختری به نام جمیله داشته است.

محمد باقر که پدر سلیمه خانم اسبقی است و از اولاد و احفاد دیگر ایشان حقیر را اطلاعی در دست نیست.

علی محمد که حبیب‌الله و روح‌انگیز فرزندان او هستند.

حاجی احمد، چنانچه اشاره شد، از ازدواج دوّم خود صاحب عنایت‌الله احمدپور میلانی شده و از ایشان فرّاد احمدپور و گلوریا احمدپور به منصّه ظهور رسیده اند.

در محامد جناب حاجی میرزا احمد میلانی و اولاد ایشان حضرت عبدالبهاء در یکی از الواحی که در مجموعه اوّل مذکور در فوق توصیف گردید چنین می‌فرمایند:

"بواسطه جناب حاجی حسین میلانی

میلان - حضرت حاجی محمد علی آقا احمد اف، جناب حاجی محمد صادق احمد اف،

جناب حاجی علی اکبر احمد اف، جناب حاجی محمد باقر احمد اف، جناب حاجی علی

محمد احمد اف، جناب عنایت‌الله احمد اف، ضلع محترمه حاجی محمدعلی و فرزند دلبدش

حسین آقا، جناب آقا علی، جناب آقا محسن و احبای الهی علیهم بهاء‌الله الابهی

هواالله - ای یاران قدیم و دوستان دیرین عبدالبهاء، حضرت فائز به رفیق اعلیٰ مقرب

درگاه کبریاء مشرف به مقعد صدق جناب احمد تأسیس بنیانی نمود که ایوان رحمت

موهبت پروردگار و قصر مشید پایدار است و در مرور قرون و اعصار باقی و برقرار.

این بنیان از هر آفتی محفوظ و مصون است و از هر صدمه ای محروس و محروز.

قوای عالم ملکی خللی در آن ننماید و مرور دهور و احقاب فتوری در این بنیان نیندازد.

پس آن خاندان باید در هر دم هزار شکرانه به عتبه حضرت رحمن تقدیم نمایند که حضرت

احمد موفق بر تأسیس این بنیان گشت. اگر چه حال معلوم و مشهود نه ولی عنقریب

شوکت این بنیان و علویّت این قصر مشید ظاهر و آشکار گردد. آن شخص جلیل مانند

دهقان در مزرعه آمال تخم پاکی افشانند که در بهاران سبزی و خرمی و در تابستان برکت

خرمنی آن مشهود و عیان گردد. ای یاران الهی درگاه چنین ربّ کریم جمال مبارک

شایان عبودیت است و سزاوار خدمت و علیکم البهاء الابهی. ع" ۵.

حال که در باره مجموعه الواح این عائله و خانواده جناب حاجی احمد میلانی اطلاعاتی

مجمل عرضه گردید به ذکر این مطلب می‌پردازد که بررسی جامع، دقیق و مفصل همه

مطالب مندرج در این مجموعه نفیسه در این مقاله امکان پذیر نیست. لذا کلیاتی در باره

بعضی از مشخصات و مطالب اصلی مندرج در این مجموعه را در سطور ذیل مدّ نظر

قرار می‌دهد:

بی گمان اظهار مرحمت و عنایت موفور نسبت به جناب حاجی احمد میلانی از نکاتی

است که مکرراً در الواح این مجموعه به چشم می‌خورد. مثلاً جمال قدم در لوحی که به

اعزاز «حبیب روحانی جناب آقا محمدعلی علیه بهاء‌الله»، یعنی یکی از ابناء جناب حاجی

احمد میلانی، از لسان میرزا آقا جان خادم الله عزّ نزول یافته و به تاریخ ۱۵ صفر سنه

۱۳۰۱هـ.ق [۱۶ دسامبر ۱۸۸۳م] مورّخ می‌باشد چنین می‌فرمایند:

"... هو السّامع المجیب، انا نذکر الالف و الحاء الذی ذکره القلم الاعلیٰ فی الواح شتی و

نذکره فی هذا الحین بفضل مبین. حق جلّ جلاله شهادت می‌دهد بر این که او به شهادة الله

فانز شد و از بحر حبش آشامید. در ایامی که جمیع ناس به کمال اعراض قیام نمودند الا من شاء الله او ندای الهی را شنید و به قلب منیر به افق اعلیٰ اقبال نمود. طوبیٰ له ثم طوبیٰ له و از سماء مشیت مخصوص او نازل شد آنچه که آلاء ارض به آن معادله ننماید...".^۶ و نیز حضرت بهاء الله در لوحی که به اعزاز «جناب حاجی علی محمد علیه بهاء الله»، یکی دیگر از پسران جناب حاجی احمد، پس از صعود ایشان عزّ نزول یافته چنین می‌فرماید:

"هو المعزى المسلى

یا علی قبل محمد نسل الله تبارک و تعالیٰ ان یؤیدکم علی الصبر والاصطبار فیما ورد علیکم من قضائه المبرم المحکم. انه ما من اله الا هو یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو المقندر العزیز الحمید. اذا فزت بلوحي ولّ وجهک شطر من سمی باحمد فی کتابی المبین و قل:

اول نفحة تضرعت من آیات الله مولى الوری و اول نور اشرق من افق سماء العطاء علیک یا من شربت رحيق الوحي من ایدای عنایة ربک مالک الاسماء اشهد انک اجبت مولیک اذ ارتفع ندائه و اقبلت الیه اذ اعرض عنه اکثر عبادہ. انت الذی ما اضعفتک قوة العالم و ما منعتک سطوة الامم و اقبلت الی افق الظهور و سمعت نداء مکلم الطور و کنت فی ایامک خادماً قائماً متمسکاً متشبثاً بكلّ ما ظهر من لدى الله ربک و ربّ آبائک الاولین. اللهم یا الهی و سیدی و سندی اسئلك بهذا الرمس الاطهر ان تقدّر لی و لزائریه خیر الآخرة و الاولى انک انت مولى الوری لا اله الا انت الغفور الکریم".^۷

جمال قدم پس از صعود جناب حاجی احمد در یکی دیگر از الواح مبارکه نیز چنین می‌فرماید:

"جناب محمد قبل علی ابن من صعد الی الله – هو المشفق الکریم

... طوبیٰ لکم یا ابناء الالف و الحاء الذی اذ فارغ الجسد ماج بحر الغفران و هاج عرف عنایة الرحمن و استقبله الملائكة و الروح لعمر الله قد ورد فی مقام کان منوراً بالنور الابدی و مزیناً بهذا الاسم الذی اذ اشرق من افق البیان نادى الامکان و من فیه تبارک الله ربّ هذا الضیف العزیز البدیع ... اعلم قد صعد الی الرفیق الاعلیٰ من له شأن عند الله ربّ العرش العظیم. نسل الله تبارک و تعالیٰ ان یرفع مقامه فی کلّ الاحیان و ینزل علیه رحمة من عنده و یجعله معاشر الملاء الاعلیٰ الذین ما اقبلوا الا الی الله و ما سجدوا الا لوجهه العزیز العظیم. انا نوصیک و اولیائی بذکره بعد صعوده بما انزله الله له من سماء عطائه من قبل و من بعد انه یحبّ اولیائه الذین نبذوا ما سویه متمسکین بحبله و متشبثین باذیال رده المقدس العزیز المنیر:

النور الساطع اللامع من افق سماء عنایة الله و الروح المعطرّ المبارک من لدى العزیز النور علیک یا اسم الالف و الحاء فی ناسوت الانشاء و مظهر الباء و الهاء فی کتاب الاسماء تشهد انک سبقت اکثر العباد اذ اتی مالک الایجاد بسطان غلب الوجود من الغیب و الشهود. و تشهد انک فزت بما لا فاز به العباد الا من شاء الله ربک العزیز العظیم. و تشهد انک اجبت مولاک اذ ارتفع النداء و اقبلت بقلبک اذ اشرق نوره. نسله تعالیٰ ان ینزل علیک فی کلّ الاوان و الاحیان نعمة من عنده و مائدة من لدنه و رحمة من جانبه انه ولی

من والاه لا اله الا هو الفرد الواحد الغفور الرحيم. البهاء من لدنا عليك و على اولك و آخرك و ظاهرک و باطنک و رحمة الله و بركاته على ابنائك و الذين يحبونك امرا من لدى الله رب العرش العظيم و الكرسي الرفيع.^۸ و نیز جمال قدم در لوح نازله به اعزاز یکی دیگر از ابناء جناب حاجی احمد میلانی چنین می‌فرمایند:

"جناب حاجی علی اکبر علیه بهاء الله

هو الذاکر و هو المذکور

یا ابن الالف و الحاء انا اردنا ان نذکره مرّة اخرى فضلاً من لدى الله مولى الوری. قل الہی الہی تری و تعلم احد محبتک سعد الی رفیقک الاعلیٰ و قصد افقک الابهی. اشهد یا الہی و الہ الکائنات و مقصودی و مقصود الممكنات بانّ عبدک احمد علیه بهائک و رحمتک آمن بک و بآیاتک و اقبل الی سماء امرک فی اول ایامک اذ اعرض عنک اکثر خلقک. اشهد انّہ شرب رحيق الحيوان من كأس عطائك و کوثر البیان من قدح جودک و کرمک. هو الذی یا الہی اعترف بما نزل من سماء فضلک و اقرّ بما نطق به لسان عظمتک. ای ربّ فانزل علیه من سحاب عنایتک امطار رحمتک و من سماء کرمک ما یقرّبه فی کلّ الاحوال الیک. انک انت الفضل الکریم.^۹

و نیز در ذکر مناقب و محامد جناب حاجی احمد میلانی جمال قدم از جمله چنین می‌فرمایند: "... از آن شجره، یعنی جناب ا ح [احمد] آثار باقیه و اثمار جنیّه ظاهر میشود. حال این مقام مستور است. مبشّر حق و مخبر حق، تعالیٰ هذا الفضل العظيم ...".^{۱۰} و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح صادره به اعزاز «جناب حاجی محمدعلی ابن من سعد الی الله من اهل میلان علیه بهاء الله الابهی» چنین می‌فرمایند:

"هو الابهی - ای سلیل آن شخص جلیل پدر چون مظهر الطاف جلیل اکبر گردد آثار عنایت از هر جهت احاطه نماید و انوار موهبت از هر افق بر رویش بتابد. آن پدر بزرگوار چون از هر جهت مهبط ملائکه رحمت بود لهذا در سلاله نیز مظهر فیض و برکت شد که کلّ به نور هدایت کبری مهندی و به فیوضات عظمی مجتبی و به رداء عنایت کبریاء مرتدی و به خدمت امرالله موفق و مؤید ابدی ...".^{۱۱}

و نیز حضرت عبدالبهاء در یکی دیگر از الواح مبارکه چنین می‌فرمایند:

"تقلیس و میلان

حضرات اخوان ابناء متصاعد الی الله حاجی احمد علیه و علیهم بهاء الله

هو الله

ای برادران چون اختران، در این روز که جشن رضوان است و بهار روحبخش رحمن و ربیع بدیع حضرت یزدان، کلک عبدالبهاء در جولان است و سرش موضوع بر آستان که ای خداوند مهربان این برادران نجوم افق محبتند و مرغان گلستان عنایت. این خاندان سلاله آن بنده صادقند و دودمان آن نخل باسق. عین عنایت را شامل کن و لطف و مرحمت را کامل تا در ظلّ شجره میثاق روز به روز روشن‌تر گردند و در درگاه احدیت

مقبول‌تر. ای پروردگار مهربان جانها نثار نمودند و صد هزار اذیت و آزار تحمل فرمودند. توئی غمخوار، توئی آمرزگار، توئی مهربان کردگار. ع"ع"^{۱۱}.
 از جمله مواضعی که در الواح عدیده موجود در مجموعه الواح احبای میلان به کرات به چشم می‌خورد لزوم تبلیغ امرالله، خدمت به امر مبارک، اتحاد و اتفاق، استقامت بر امر، عهد و میثاق الهی و لزوم استقامت بر آن، غنیمت دانستن ایام حیات، تقوی و تقدیس، لزوم عمل به تعالیم الهیه و تخلّق به اخلاق حسنه، عظمت ظهور جمال قدم و لزوم صبر بر بلیات و مصائب است. کثرت نصوص و بیانات مبارکه در باره این مواضع مانع از نقل تمام آنها است اما برای آن که نمونه‌ای از این گونه الواح عرضه شده باشد دو لوح مبارک حضرت بهاءالله را ذیلاً نقل می‌نماید. تا آنجا که بر حقیر معلوم است این الواح در منابع مطبوع الواح حضرت بهاءالله تا کنون به طبع نرسیده است.
 حضرت بهاءالله می‌فرماید:

"م ی جناب تقی

هو السّامع المجیب

یا تقی تقوی درع است از برای هیکل امر و رضوان است از برای جنت علیا و دربان است از برای باب بیان. طوبی از برای نفسی که خود را به این درع از سهام عصیان حفظ نمود. اوست از اهل بهاء در کتاب اسماء. ای دوستان امروز روز ذکر و محبت و شفقت است، با یکدیگر به کمال اتحاد به ذکر مالک ایجاد مشغول باشید، آنه یکفیکم و یقریکم الیه وهو الرّقیب القریب. البهاء علیک و علی الذین فازوا بعرفان الله مالک هذا الیوم البدیع."^{۱۲}

و نیز جمال قدم در لوحی دیگر چنین می‌فرماید:

"م ی جناب حاجی حسین

بسمی المغرّد علی الاغصان

ای دوستان هر عاملی را به عمل بشناسید و هر نفسی را به صفاتش، چه بسیار از عباد به اعمال شنیعه عاملند و خود را از اهل حق می‌شمرند. امروز باید کل به کتاب الهی متمسک باشند و به آنچه در او نازل عامل. هواهای نفسانیّه ناس را به اعمال شنیعه مردوده مشغول نموده. ای دوستان آفتاب تقوی را به سحاب هوی ستر منمائید، به امرش عامل شوید و به حکمش ناظر، آنه یحکم کیف یشاء و هو المقتدر القدیر."^{۱۳}

مندرجات مجموعه الواح احبای میلان مملو از استشهاد به آیات قرانی و اشارات عدیده به اصطلاحات آن سفر کریم است. در این مجموعه ادعیه و مناجات‌های مبارکه نیز به وفور ملاحظه می‌گردد و مملو از نصایح و مواظظ قلم اعلی و حضرت عبدالبهاء است. عظمت و عزت محتوم امر الهی و شرح وظائف و مسئولیت‌های احبای الهی از جمله دیگر مواضعی است که در الواح این مجموعه به چشم می‌خورد. قضیه تحقق وعود و بشارات الهیه و شرح و توضیح این مطلب که امیال و اهداف و مقاصد اهل ادیان و مظاهر مقدسه قبل کلاً در این ظهور به تحقق پیوسته است نیز از اهم مطالب مندرجه در این مجموعه مبارکه است.

در این مجموعه از حروف اختصاری بسیار استفاده شده است. چنان که در سطور فوق ملاحظه می‌گردد، مثلاً «م ی» به عنوان مخفف «میلان» به کار رفته، و دو حرف «ا ح» مخفف نام جناب حاجی احمد میلانی است که گاهی به صورت «ا ح م د» نیز مذکور شده است. «ت ف» اشاره به تفریس و «م ه» مخفف نام اسم‌الله مهدی دهجی است. هرچند اکثریت الواح جمال قدم در این مجموعه از قلم آن حضرت عزّ نزل یافته اما بعضی از الواح صادره به لسان میرزا آقا جان خادم‌الله است و در این قبیل الواح تاریخ صدور لوح نیز مندرج گردیده است.

یکی از مشخصات عمده مندرجات مجموعه الواح احبای میلان اشتغال آن به الواح و مکاتیب عدیده ای است که از قلم حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالباها به اعزاز زنان جامعه بهائی در بلاد آذربایجان عزّ صدور یافته است. این مطلب از این نظر حائز اهمیت است که با صدور این آثار خطاب به زنان بهائی هویت و شخصیت فردی آنان جدا از انتساب آنان به مردان بهائی به استقلال مورد شناسائی و تجلیل قرار می‌گیرد و نقش و مسئولیت زنان در ظلّ امر مبارک محل سنایش و موضوع شرح و بسط واقع می‌شود. در جامعه ای که اصول و افکار و عادات اجتماعی و حیات اقتصادی آن مبتنی بر مردسالاری و لزوم تبعیت و وابستگی به مردان در خانواده و اجتماع، مدار همه امور است توجه طلعات مقدسه به زنان، شناسائی هویت و استقلال شخصیتی آنان و دادن مسئولیت مستقیم به بانوان از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است تا استعدادات و کمالات آنان را پروراند، به امکانات و امتیازات وجودی خود مطمئن سازد و از آنان دعوت نماید تا مسئولیت و نقش عظیم خود را بشناسند و با شور و شغف، و مستقل از ارزش‌های مرسوم در جامعه، به میداین خدمت وارد گردند. والاتر از همه این نکات بخشیدن حس اعتماد به جامعه اماءالرحمن است که به حمایت بی دریغ طلعات مقدسه امر در مساعی و اقدامات خود مطمئن باشند و به حقّ الیقین بدانند که مشمول ادعیه طلعات مبارکه اند تا به اجرای آنچه از اصول و نوایای امر مبارک است موفّق و مؤید گردند.

نمونه ای از الواح جمال قدم خطاب به اماء رحمانی در میلان، لوح نازله خطاب به ضلع جناب حاجی احمد میلانی است که متن آن به شرح ذیل است:

"م ی

ضلع جناب احمد علیهما بهاء‌الله

به نام یکتا خداوند بی‌مانند

یا ورقتی و امتی، بشنو ندای مظلوم را که از شطر سجن تو را ذکر می‌نماید. علما و فقهای حزب قبل از عنایت الهی محرومند و از عرفانش ممنوع، چه که عملی از ایشان ظاهر نه تا مستحق فیوضات فیاض حقیقی شوند. جزای اعمال کلّ را از عرفان غنی متعال در یوم مآل منع نموده و تو الحمد لله ادراک ایام حق را نمودی و به عرفانش فائز گشتی. طوبی از برای تو و از برای امائی که به فیض اعظم فائز گشتند و به آنچه در کتاب الهی از قبل و بعد مذکور و مسطور است رسیدند. این نعمت عظمی را به اسم مالک اسماء و فاطر سماء حفظ نما و اماء آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان تا کلّ

به کمال تقدیس و تنزیه به ذکر حق جلّ جلاله ناطق و مشغول باشند. آنّه یؤید عبادۀ و امائۀ علی ما یحبّ و یرضی و هو الفرد الواحد المقتدر العظیم الحکیم. البهائۀ علیک و علی الاماء اللائی آمن بالفرد الخبیر." ۱۵

همان طور که اشاره شد مجموعه الواح احبای میلان مملو از تلویحات و تصریحات به مصطلحات قرآنی و نقل و استشهاد به آیات عدیده در آن سفر عظیم است. در این مقاله قصد آن نیست که همه آیات و مصطلحات مورد شرح و مطالعه قرار گیرد، اما به عنوان نمونه به چند مورد از این موارد اشاره می‌کند:

اول - او ادنی

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می‌فرماید:

"ضلع جناب حاجی علی اکبر علیها بهاء الله الابهی"

هو الابهی

ای ورقه طیبۀ متوجّه به ملکوت قدم، در جنّت ابهی و فردوس اعلی و حدیقه قدس او ادنی ذکر مذکور و یادت مرکز قلوب اماء الله، دیگر فضلی اعظم از این می‌جوئی و موهبتی اکبر از این می‌طلبی؟ عنقریب اشراقات انوار این مقام را از آفاق وجود چون اشعه ساطعه از شمس حقیقت مشاهده نمائی. ع" ۱۶

در لوح فوق اصطلاح «او ادنی» ناظر به آیه مبارکه قرآنیّه است که در سوره نجم، آیات ۷ - ۹ می‌فرماید: "و هو بالافق الاعلی ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی". مفهوم فارسی آیات مبارکه آن که رسول خدا در افق اعلی بود و بعد نزدیک شده به حدی که فاصله او به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر شد. ۱۷

آراء قرآن‌شناسان در باره این آیات چنین است که حضرت رسول اکرم در معراج خود به آسمانها آنقدر به خدا و یا جبرئیل نزدیک شد که فاصله میان او تا حقّ تعالی به اندازه فاصله دو کمان و حتی کمتر گردید. مفاهیم عرفانی این آیات مبتنی بر قربیت الهیه و نزدیک شدن به بارگاه حضرت پروردگار است. در لوح مبارک، بیان حضرت عبدالبهاء مبنی بر «حدیقه قدس او ادنی» می‌تواند تلمیحی به مجاورت و قربیت روضه مبارکه حضرت بهاء الله و مقام مقدس حضرت رب اعلی تلقی گردد.

دوم - جبت، طاغوت و عزّی

حضرت بهاء الله در یکی از الواح نازله خطاب به جناب حاجی احمد میلانی می‌فرماید:

"... هذا کتاب من لدنا الی الذی امن بالله المهیمن العزیز القدیر و انقطع عما سواه و توجه الی مقرّ الامر الذی بظهوره ظهر الزلزال و سقط الجبت و انکسرت ارکان الطاغوت و اشرقت شمس کلمة العلیا عن افق البقا بضیاء مبین ...". ۱۸

و نیز حضرت بهاء الله در لوحی که به اعزاز جناب آقا محمدعلی ابن جناب حاجی احمد میلانی عزّ نزول یافته چنین می‌فرماید:

"... حمد مقدّس از دلالات و اشارات ممکنات واجب‌الوجودی را لایق و سزااست که به یک کلمه علیا اهل ناسوت انشاء را به افق اعلی جذب نمود، به شأنی که از مال و اموال و زخارف و ثروت دنیا کلاً گذشتند و در سیل دوست یکتا انفاق نمودند آنچه را که مطلع

نور بود از برای ظلمت عالم و مشرق بینائی بود از برای کوران بادیه‌های گمراهی و کوثر زلال بود از برای تشنگان بیدای نادانی، تعالت شئونهم و عظمت مقاماتهم و کبرت مراتبهم. قد سمعوا و اقبلوا و اجابوا مولیهم فی یوم فیہ ناح الجبت و صاح الطاغوت و نعق العزى و امثالها ...^{۱۹}

و در لوح نازله به اعزاز جناب آقا محمد صادق جمال قدم چنین می‌فرمایند:
"... الحمد لله الذي انزل النعمة و اظهر ما اراد انّه لهو المراد في الآخرة و الاولى ... اسئلک بسلطان الاسماء الذی به ناحت الجبت و جنوده بان تؤید احبائک علی ذکرک و ثنائک و ما ینبغی لایامک ..."^{۲۰}

جبت، طاغوت و عزى از کلمات قرآنی است. در آیه ۵۱ سوره نساء آمده است که: "الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت و الطاغوت و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين آمنوا سبيلا". معنی فارسی کلام الهی آن که آیا احوال کسانی را که بهره ای از کتاب آسمانی دارند، ندانسته ای که به جبت و طاغوت ایمان می‌ورزند و در باره کافران می‌گویند که اینان از مؤمنان راهیافته‌ترند.

نام عزى همراه با نام دو بت دیگر یعنی لات و منات در آیات شماره ۱۹ و ۲۰ سوره نجم در قرآن آمده است که خداوند می‌فرماید: "افرايتم اللات و العزى و مناة الثالثة الاخرى". مفهوم مطلب به فارسی آن که آیا شما لات و عزى را نگریسته اید و آن دیگری منات را که سومین است.

جبت در معارف قرآنی عبارت از هر چیزی است که به جای خدا پرستیده می‌شود و چنین چیزی می‌تواند عبارت از بت و کاهن و ساحر و نظائر آن باشد. در ریشه و اصل این لغت بحث بسیار است. بعضی از لغت‌شناسان آن را یونانی و بعضی دیگر آن را حبشی دانسته‌اند.^{۲۱}

طاغوت معمولاً به معنی شیطان گرفته می‌شود و به هر چیزی که به جای خدا پرستیده شود، نظیر اصنام، اشجار، آفتاب و غیره اطلاق می‌گردد. اصل و ریشه این کلمه را نیز لغت‌شناسان عبری و یا آرامی و سریانی و حبشی گرفته‌اند. برداشت اهل عرفان از طاغوت طغیان و گردن‌کشی و جباریت است و عبارت از هر چیزی است که بنده را از حق بگرداند و بما سوی الله سوق دهد.^{۲۲}

عزى نام یکی از خدایان مؤنث دوره جاهلی قبل از اسلام است و همان طور که نقل شد با نامهای لات و منات در سوره نجم در قرآن آمده است. عبادت این بت‌ها در بین قبایل مختلف عرب پیش از اسلام رواج داشته و ظاهراً عزى از دو خدای دیگر پراهمیت‌تر بوده و معابد متعدد داشته و از عظیم‌ترین اصنام قریش محسوب می‌شده است.^{۲۳}

سوم - یوم تبلی السرائر، قیامت، ساعة، صیحه، قارعه

در الواح متعدّد مندرج در مجموعه الواح احبای میلان به فرا رسیدن روز قیامت و تجلی یوم جدید اشاره شده و در شرح و بیان این مطالب مصطلحاتی از قرآن کریم مورد استشهاد قرار گرفته است. از جمله حضرت بهاءالله در یکی از الواح جناب آقا محمدعلی

ابن حاجی احمد میلانی می‌فرماید: "... قد اتى اليوم و ظهر ما كان مستورا فى افئدة القوم، يوم تبلى السرائر است، خافية صدور و خائنه اعين ظاهر و مشهود ...".^{۲۴} عبارت «يوم تبلى السرائر» آیه شماره ۹ در سوره طارق است که در آن خداوند به بازگرداندن انسان در روز قیامت یعنی روز آشکار شدن رازها و امور پنهانی اشاره می‌کند و می‌فرماید که روز قیامت روز ظهور اسرار باطنی اشخاص است. عبارت «خافية صدور و خائنه اعين» نیز که در لوح مبارک آمده ناظر به آیه ۱۹ در سوره غافر در قرآن مجید است که می‌فرماید: "يعلم خائنة الاعين و ما تخفى الصدور". یعنی خداوند به خیانت چشمها و آنچه خلق در دلهاى خود پنهان میدارند واقف و آگاه است. حضرت بهاءالله در لوحی دیگر که در مجموعه مورد مطالعه به چشم می‌خورد می‌فرماید: "... قل لك الحمد يا مولى الملكوت و مالك الجبروت استلك باسمك الذى به اقمت القيامة و اظهرت اسرارها و الساعة و اشراطها و به اخرقت الحجابات و السبحات ان تجعلنى قائماً على خدمتك ...".^{۲۵}

و نیز حضرت بهاءالله در لوحی دیگر در همان مجموعه چنین می‌فرماید: "... ان انصفوا فى امرالله و ظهوره و لا تتبعوا كل متوهم بعيد. قد ظهرت القارعة و ارتفعت الصيحة و القوم فى نوم عجيب ...".^{۲۶}

قضایای مربوط به قیامت، علائم و نامها و اوضاع و شرایط وقوع آن که از ارکان اعتقادی اسلام محسوب می‌گردد در بیش از ششصد آیه از آیات قرآنی مورد شرح و بسط قرار گرفته است. ساعت و قارعه و صاخه و اصطلاحات دیگری نظیر يوم الفصل و يوم الوعيد و يوم التلاق از جمله اسامی روز قیامت است که در قرآن به کار رفته است. آیات شماره ۴۱ - ۴۲ سوره ق حاکی از آن است که: "و استمع يوم يناد المناد من مكان قريب. يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج". معنی کلام الهی آن که به ندای منادی در روزی که از جانی نزدیک برخیزد گوش ده، آن روزی که صیحه را به حق بشنوند آنگاه روز رستاخیز است. قارعه به معنی در هم کوبنده و خراب‌کننده نیز از اوصاف قیامت است. در ابتدای سوره قارعه - ۱۰۱ در قرآن آمده است که: "القارعة ما القارعة و ما ادريك ما القارعة".^{۲۷}

آنچه در سطور فوق مذکور شد شرحی به اختصار در باره بعضی از مصطلحات قرآنی بود که در مجموعه الواح احبای میلان آمده است. در این مقاله آیات عدیده قرآنی که در الواح مزبور مورد نقل و استشهاد قرار گرفته مد نظر واقع نشده و بررسی معانی و تفاسیر و تأویل این آیات خود مطالعاتی جداگانه را اقتضاء می‌نماید.

در باره مندرجات مجموعه الواح احبای میلان ذکر این مطلب نیز مفید است که ابیاتی از شعرای ایران در این الواح مورد نقل و استشهاد قرار گرفته است. از جمله ابیات معروف مولوی یعنی "باز آمد آن مغنی با چنگ ساز کرده ... و بیت "زین مردمان سست عناصر دلم گرفت ..." در الواح مندرج در این مجموعه مندرج گشته است. چون الواح مبارکه ای که شامل ابیات فوق می‌باشد، و شرح منابع ابیات مزبور، در کتاب مأخذ اشعار ارائه گشته^{۲۸} در این مقام به همین اشاره مختصر اکتفاء می‌نماید و صرفاً به توضیح این نکته

می‌پردازد که بیت معروف جمال قدم از قصیده ساقی از غیب بقا، یعنی بیت "پای نه بر فرق ملک آنکه درآ در ظل فقر ...". نیز در الواح عدیده مورد استشهاد واقع شده و آن الواح، به استثنای لوح صادره به اعزاز احبای الهی در تفلیس، در ذیل "پای نه بر فرق ...". در مجلد دوم کتاب مآخذ اشعار مندرج گشته است. در این مقام متن لوح احبای تفلیس را نیز مندرج می‌سازد زیرا تا آنجا که بر این عبد معلوم است تمام این لوح در منابع چاپی مکاتیب حضرت عبدالبهاء و کتاب مآخذ اشعار تا کنون به طبع نرسیده است. متن لوح مزبور چنین است:

"تفلیس احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
هو الله

ای دوستان یزدان، صبح عبودیتی از مطلع رحمتی به انوار موهبتی طالع و لائح گشته که پرتو خضوع و خشوعش آفاق را روشن و نورانی نموده و شعاع تذلل و انکسارش ظلمات تذلل و استکبار را زائل فرموده. ای یاران موعده خضوع و خشوع است و موسم بندگی و شرمندگی، زمان عبودیت است و وقت تبذل و رقیبت. بزرگواری در بندگی است و شهرداری در عبودیت درگاه حضرت احدیت، پای نه بر فرق ملک آنکه درآ در ظل فقر تا ببینی ملک باقی را کنون از هر کنار.

این بندگی آزادگی است و این عبودیت سلطنت دو جهان ملک و ملکوتی، چه که بندگی آستان مقدس جمال بهاء ست و آزادگی در جمیع عوالم بی منتها. ای یاران رحمن همت کنید تا چون قوای اعظم وجود در عوالم باطن و شهود فتوحات قلبیه و روحانیّه گردد و افق ملک را مطلع ملکوت نماید و آوازه تقدیس و جانفشانی یاران روحانی به مسماع شرق و غرب رسد و ندای یا بهاء الابهی از حسیض ادنی به سمع اهل صوامع لاهوت اعلی واصل گردد. و البهاء علیکم یا احباء الله. ع^{۲۹}.

نکته دیگر در باره الواح مندرج در مجموعه الواح احبای میلان ناظر به لوح صادره از قلم حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب حاجی علی محمد ابن حاجی احمد میلانی است. این لوح مبارک نیز تا آنجا که بر این عبد معلوم است در منابع متداول مکاتیب حضرت عبدالبهاء تا کنون به طبع نرسیده و لذا طبع و انتشار آن در این مقام مغتنم تواند بود. در این لوح حضرت عبدالبهاء به چند اثر اساسی در زمینه فلسفه و فقه اسلامی اشاره فرموده اند که تحریر توضیحی به اختصار در باره این آثار مفید به نظر می‌آید. متن لوح مزبور به شرح ذیل است:

"هو الابهی

جناب حاجی علی محمد ابن من سعد الی الله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
هو الابهی

ای ناظر به منظر انور، چون جمال بی زوال برقع غیب بر افکند و در عرصه وجود جلوه مشهود فرمود جمعی مدعی عرفان بودند به وادی حرمان فتادند، به اشارات و اوهمات خویش شناسائی خواستند و چون مطابق تصوّرات خود نیافتند علم انکار بر افراختند و به دم اطهرش فتوی دادند و نشناختند و تو که نه مدعی عرفان بودی و نه در

دبستان علماء اعیان داخل شدی، نه شفا و اشارات خواندی و نه فصوص و فتوحات نظر کردی، نه شرح لمعه مطالعه نمودی و نه فقه و اصول تدرّس و تدریس کردی، به جوهر مقصود رسیدی و در مقام کشف و شهود حاضر شدی و مؤمن به جمال موعود گشتی و در هوای محبت ربّ و دود پرواز نمودی. هنیئا لک هذه الكأس الطافحة بصهباء معرفة الله و البهاء عليك و على الذین سکروا منها. ع" ۲۰.

در باره شفا، اشارات، فصوص، فتوحات و شرح لمعه که در لوح فوق مذکور شده مقالات جامعی در دایره‌المعارف فارسی به طبع رسیده و وجود این مقالات ما را در این مقام از شرح و بسط مفصل مطالب در باره این کتب بی نیاز می‌سازد. لذا در سطور ذیل به نقل از دایره‌المعارف مزبور چند جمله ای در معرفی کتب مزبور مرقوم می‌دارد تا اطلاعاتی مختصر در باره این آثار در اختیار خوانندگان گرامی قرار گیرد.

«شفا» نام مهمترین و مفصل‌ترین کتاب ابوعلی سینا است که در منطق و فلسفه طبیعی و الهی و نیز ریاضیات به رشته تحریر در آمده و قسمت‌هایی از آن به زبانهای اروپائی و فارسی ترجمه و طبع گردیده است. طبع نسخه کامل شفا به زبان عربی در قاهره صورت گرفته و بر شفا شروح و تعلیقات و حواشی زیادی نوشته شده است.^{۳۱}

کتاب «اشارات» که نام کامل آن «اشارات و تنبیهات» می‌باشد نیز اثری فلسفی و عرفانی از ابن سینا است که در آن منطق و طبیعیات و علوم ما بعد الطبیعه به زبان عربی مورد مطالعه قرار گرفته و شاید آخرین اثر ابن سینا باشد. اصل عربی این کتاب مکرراً به طبع رسیده و ترجمه فارسی آن نیز به صورت کامل در سال ۱۳۲۲ ه.ش / ۱۹۴۳ م در طهران انتشار یافته است. کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا مورد شرح و بسط بسیاری از نویسندگان دیگر قرار گرفته و تفاسیر و تعلیقات آن نیز مکرراً در هند و مصر و ایران و ترکیه انتشار یافته است.^{۳۲}

مقصود از «فصوص»، کتاب «فصوص الحکم» ابن عربی است که در آن اصول عرفان و حکمت اهل تصوّف و قضایای مربوط به وحدت وجود مورد مطالعه ابن عربی قرار گرفته است. «فصوص الحکم» در سال ۶۲۷ ه.ق / ۱۲۳۰ م تألیف شده و شامل بیست و هفت فصل است که از آنها به "فص" یعنی نگین انگشتی تعبیر شده و هر فصی منسوب به یکی از پیغمبران الهی است.

«فصوص الحکم» عمیق‌ترین اثر محیی‌الدین ابن عربی در معارف اهل تصوّف است و درک و فهم مندرجات آن به سهولت امکان‌پذیر نیست. متن عربی کتاب «فصوص الحکم» و شروح و تعلیقات آن مکرر به طبع رسیده و در زمینه تصوّف و عرفان اسلامی «فصوص الحکم» ابن عربی کتابی درسی برای علاقمندان به این علوم بوده است.^{۳۳}

«فتوحات» که نام آن در لوح مبارک آمده همان کتاب «فتوحات مکیّه» (الفتوحات المکیّه) اثر معروف و مهم محیی‌الدین ابن عربی است که در چهار مجلد به رشته تحریر در آمده و شامل جمیع علوم و معارف اهل تصوّف است. این کتاب که حاوی پانصد و شصت فصل می‌باشد، مکرراً به طبع رسیده و از تعقید و رموز و اسرار اهل عرفان حکایت می‌کند و به این جهت مورد نقد و ایراد بسیاری از متشرّعین قرار گرفته است.^{۳۴}

«شرح لمعه» نام کتابی به زبان عربی است که زین‌الدین علی عاملی مشهور به شهید ثانی آن را در شرح کتاب «لمعه دمشقیه»^{۳۵} در سنه ۹۵۷ ه. ق / ۱۵۵۰ م به رشته تحریر در آورده و آخرین اثر شهید ثانی محسوب می‌گردد. این کتاب از مهمترین کتب فقهی شیعه امامیه است.

بر «شرح لمعه» شروح و تعلیقات بسیار نوشته اند. این کتاب نزد علمای تشیع به ایجاز و بلاغت اشتهار دارد و لذا یکی از کتب مهمه درسی طلاب علوم دینی شیعه امامیه محسوب می‌شود. «شرح لمعه» شهید ثانی به کرات به طبع رسیده است.^{۳۶}

غیر از کتب فوق‌الذکر حضرت عبدالبهاء در لوح فوق به «فقه و اصول» نیز اشاره فرموده اند. «فقه» علم به احکام شرعیّه از روی ادله تفصیلی است که عبارت از قرآن و سنت و اجماع و عقل، یا قیاس می‌باشد. فقه را علم به واجبات، مستحبات، محرومات و مکروهات نیز دانسته اند. شرح مفصل مطالب مربوط به «فقه» در ذیل همین کلمه در دایرةالمعارف فارسی و نیز در دایرةالمعارف تشیع مذکور شده و مطالب مربوط به این مبحث مفصل‌تر از آن است که در این مختصر بتوان به توضیح آنها پرداخت.

«اصول» نیز که از آن با عنوان علم اصول فقه یاد می‌شود یکی از علوم مهمه اسلامی است و آن علم به قواعدی است که بر اساس آنها می‌توان احکام شرعی را استخراج و استنباط نمود. علم اصول به علم اصول دین یعنی علم کلام و علم اصول حدیث نیز اطلاق می‌شود. قواعد علم اصول فقه بنا بر معارف شیعه امامیه مبتنی بر قرآن، شناسائی حدیث و سنت نبوی، اجماع علمای مذهبی در امور غیر مصرّحه در قرآن و حدیث و عقل استوار است و اهل سنت به جای عقل قیاس را در علم اصول فقه معتبر می‌شناسند. در زمینه «اصول یا علم اصول فقه» می‌توان به دایرةالمعارف فارسی و یا به ذیل «اصول فقه» در مجلد دوم دایرةالمعارف تشیع مراجعه نمود.^{۳۷}

مسک‌الختم این مقاله را به درج لوحی اختصاص می‌دهد که خطاب به احبای تفلیس از قلم حضرت عبدالبهاء عزّ‌صدرور یافته و در مجموعه مورد مطالعه مندرج گردیده است:

"هو الابهی"

تفلیس احبای الله علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای شمع‌های انجمن محبت‌الله، نار موقده ربانیّه که در شجره مبارکه تجلی فرمود شعاع ساطعش بر آفاق آفرینش منتشر گشت و جهان ظلمانی را عالم نورانی نمود. جمیع ذرات وجود از پرتو این تجلی استفاضه و استفاده نمودند لکن بعضی چون صفحات شفاف صافیّه بودند، اقتباس انوار و اسرار کردند و برخی چون حجر و مدر و تراب مغبر بودند، عکس و اثر برداشتند. بعضی معادن مستعدّه بودند لعل بدخشان شدند و یاقوت و لؤلؤ و مرجان گشتند و برخی حدید و نحاس شدند و بعضی جوهر نفیس شدند و برخی خزف خسیس گشتند.

پس ای دردی‌کشان خمخانه محبت‌الله، باده صافی عرفان نوشید و نغمه اسرار رحمن شنوید. جهدی کنید که از این فیض و تجلی جواهر وجود شوید و معدن محمود گردید،

ذهب ابریز شوید و فلز عزیز گردید، درّه بیضاء شوید و لؤلؤ لالا گردید. همّتی کنید که در این عهد و عصر جلیل به عهد و پیمان حضرت یزدان قیام نمائید و انوار مشرق امکان شوید. در این عالم خاک زینت افلاک گردید و مظهر الطاف جمال لولاک شوید. قسم به جمال مبین که چنان فضلی در حق دوستان الهی مقدر که چشم ابداع ندیده و سمع عالم انشاء نشنیده، عنقریب ظاهر و باهر شود. و البهاء و الرّوح علیکم یا احبّاء الرّحمن. عبده عبّاس.^{۳۸}

یادداشت‌ها

- ۱- چون مندرجات مجموعه دوم در مجموعه اول نیز عینا موجود است، در این مقاله تمام ارجاعات به مجموعه اول خواهد بود و از آن تحت عنوان «مجموعه الواح میلان» یاد خواهد شد.
- ۲- اسدالله فاضل مازندرانی، «ظهور الحق» (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۱ ب)، ج ۸، قسمت اول، صص ۹۷-۹۸. شرحی در باره سوابق خانوادگی و ایمانی عائله حاجی احمد میلانی در مجلد سوم کتاب «ظهور الحق» (لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار، ۲۰۰۸ م، صص ۳۵-۳۷) نیز به طبع رسیده است.
- ۳- مجموعه الواح میلان، ص ۶۵.
- ۴- شرحی از احوال و خدمات جناب عنایت‌الله احمدپور میلانی در کتاب «عالم بهائی» (ج ۱۶، صص ۵۲۹-۵۳۰) به زبان انگلیسی منتشر گردیده است.
- ۵- مجموعه الواح میلان، صص ۲۷۲-۲۷۳.
- ۶- مجموعه الواح میلان، صص ۱۱۴-۱۱۵.
- ۷- مجموعه الواح میلان، صص ۲۱۵-۲۱۶.
- ۸- مجموعه الواح میلان، صص ۹۰-۹۱.
- ۹- مجموعه الواح میلان، ص ۱۸۲.
- ۱۰- مجموعه الواح میلان، ص ۱۰۹.
- ۱۱- مجموعه الواح میلان، صص ۲۶۱-۲۶۲.
- ۱۲- مجموعه الواح میلان، صص ۳۲۰-۳۲۱.
- ۱۳- مجموعه الواح میلان، صص ۲۰۴-۲۰۵.
- ۱۴- مجموعه الواح میلان، ص ۲۰۵.
- ۱۵- مجموعه الواح میلان، صص ۷۵-۷۶.
- ۱۶- مجموعه الواح میلان، صص ۳۱۴-۳۱۵.
- ۱۷- ترجمه فارسی آیات قرآنی در این مقاله مبتنی بر قرآن کریم، همراه با ترجمه (طهران: دوستان، ۱۳۶۸ ه.ش.)، مترجم بهاء‌الدین خرّمشاهی، خواهد بود.
- ۱۸- مجموعه الواح میلان، صص ۴۹-۵۰.
- ۱۹- مجموعه الواح میلان، ص ۹۲.

- ۲۰- مجموعه الواح میلان، صص ۱۷۳.
- ۲۱- برای ملاحظه شرح مطالب در باره «جبت» به دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (طهران: دوستان - ناهید، ۱۳۷۷.ش.)، ج ۱، ص ۸۳۴، اثر بهاءالدین خرّمشاهی و دایرةالمعارف تشیع، ج ۵، صص ۲۹۲-۲۹۳ مراجعه فرمائید.
- ۲۲- برای ملاحظه شرح مطالب در باره «طاغوت» به دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (ج ۲، صص ۱۳۹۶-۱۳۹۷) مراجعه فرمائید. و نیز نگاه کنید به دایرةالمعارف تشیع (ج ۱۰، ص ۴۲۸) و اسرار الآثار (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۹۰)، ج ۴، صص ۲۷۶-۲۷۷.
- ۲۳- مطالب مربوط به «عزّی» را می‌توان در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (ج ۲، ص ۱۴۵۴) و نیز در دایرةالمعارف تشیع (ج ۱۱، ص ۲۸۱) مورد مطالعه قرار داد.
- ۲۴- مجموعه الواح میلان، ص ۸۳. حضرت بهاءالله در لوحی دیگر که در کتاب لنالی الحکمة (ریودوژانیرو: دارالنشر البهائیه، ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۲۲۱) به طبع رسیده چنین می‌فرمایند:
- "... سبحان الله، قلم متحیر و لوح متحیر که چه ذکر نماید و اثر چه ظاهر شود، یومی عظیم است و یوم تبلی السرائر شاهد و گواه او، اسرار قلوب و صدور مشهود، خائنة الاعین و خافیه الصدور وصف این یوم است..."
- ۲۵- مجموعه الواح میلان، ص ۱۹۴. جمال قدم در لوحی دیگر که در کتاب آیات الهی (لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۲) به طبع رسیده نیز چنین می‌فرماید:
- "... بگو امروز واقعه مذکوره واقع شد و ساعت و اشراف آن مشهود، یوم تبلی السرائر امروز است و یوم تمرّ الجبال امروز، صیحه مرتفع و ارض متحرک و مهترّ و نور از افق مکلم طور مشرق و لائح و صریر قلم از اعلى مقام عالم مرتفع..."
- ۲۶- مجموعه الواح میلان، ص ۲۴۷. جمال قدم در یکی دیگر از الواح مندرج در همین مجموعه (صص ۲۵-۲۶) نیز چنین می‌فرماید:
- "بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی - حمد مقدّس از حروف و الفاظ ساحت عزّ اقدس حضرت مقصودی را لایق و سزاست که به کلمه عالم را جمع نمود و به کلمه دیگر مابین حقّ و باطل تفصیل داد و اوست آن کلمه که به کلّ اسماء نامیده شده، در هر حین به هیئت بدیع ظاهر و مجلی. اوست که در مابین آسمان و زمین به کلمه مبارکه قد ظهر محبوب العالمین نطق نمود و او بود آن صیحه که ذکرش در کتب قبل مسطور بود و اوست آن کلمه که به کمال قدرت و غلبه ندا فرمود و فرمود منم ممیز عالم و مفصل عالم، منم آن میزانی که به او سنجیده می‌شود اعمال اهل عالم، سبحانه سبحانه ما اعظم سلطانه و ما اکبر عزّه و اقتداره..."
- و نیز نگاه کنید به ذیل «صیحه» در اسرار الآثار، ج ۴، صص ۲۶۴-۲۶۵.
- ۲۷- در ترجمه فارسی این آیه در کتاب قرآن کریم، همراه با ترجمه (ص ۶۰۰) چنین آمده است: "درهم کوب. درهم کوب چیست؟ و تو چه دانی که درهم کوب چیست؟".

- برای ملاحظه شرح مطالب در باره قیامت، ساعت، صیحه و قارعه به ذیل این مصطلحات در کتاب دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی مراجعه فرمائید.
- ۲۸- نگاه کنید به ذیل «باز آمد آن مغنی...» و «زین مردمان سست عناصر...» در مجلّات دوّم و سوّم کتاب مآخذ اشعار در آثار بهائی.
- ۲۹- مجموعه الواح میلان، صص ۳۲۹-۳۳۰.
- ۳۰- مجموعه الواح میلان، صص ۳۴۵-۳۴۶.
- ۳۱- برای ملاحظه شرح مطالب در باره کتاب شفا به دایرةالمعارف فارسی (ج ۲، بخش اوّل، صص ۱۴۷۹-۱۴۸۰)، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، مراجعه فرمائید. در باره آثار ابن سینا کتاب فهرست نسخه‌های مصنّفات ابن سینا به وسیله یحیی مهدوی به رشته تحریر در آمده و این اثر که از انتشارات دانشگاه طهران می‌باشد در سال ۱۳۳۳ ه.ش. در طهران انتشار یافته است. مقاله جامع و مفصّل «ابن سینا» در مجلّد چهارم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز حاوی شرحی مبسوط در باره احوال و آراء و آثار ابن سینا است.
- ۳۲- برای ملاحظه شرح مطالب در باره کتاب اشارات به دایرةالمعارف فارسی (ج ۱، صص ۱۵۴) مراجعه فرمائید. کتاب الاشارات و التنبیّات در سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۹ ه.ق. در سه جلد در طهران در مطبعه حیدریّه به طبع رسیده است.
- ۳۳- برای ملاحظه شرح مطالب در باره کتاب فصوصالحکم به دایرةالمعارف فارسی (ج ۲، بخش اوّل، صص ۱۹۰۵) مراجعه فرمائید. مقدّمه کتاب فصوصالحکم (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۸۰م)، که به قلم ابوالعلاء عقیفی به رشته تحریر در آمده نیز حاوی شرحی جامع در باره کتاب فصوصالحکم و آراء ابن عربی است. شرح احوال و عقاید و آثار ابن عربی در مجلّد چهارم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز به تفصیل به طبع رسیده است.
- ۳۴- برای ملاحظه شرح مطالب در باره کتاب فتوحات مکیّه به دایرةالمعارف فارسی (ج ۲، بخش اوّل، صص ۱۸۴۴) مراجعه فرمائید.
- ۳۵- کتاب لمعه دمشقیّه کتاب فقهی معروفی است که شهید اوّل یعنی شمس‌الدین محمّد بن مکی عاملی آن را نوشته و بعداً بوسیله بسیاری از فقها شرح و بسط یافته است. از جمله مهمترین شروح آن کتاب شرح لمعه اثر شهید ثانی است. برای ملاحظه شرحی در باره لمعه دمشقیّه، اثر شهید اوّل، به دایرةالمعارف تشیع (ج ۱۴، صص ۵۱۰-۵۱۴) مراجعه فرمائید.
- ۳۶- شرحی در معرفّی کتاب شرح لمعه در دایرةالمعارف فارسی (ج ۲، بخش اوّل، صص ۱۴۶۳) به طبع رسیده است.
- ۳۷- قضایای مربوط به فقه و اصول فقه را می‌توان در آثاری نظیر دایرةالمعارف فارسی (ج ۲، بخش اوّل، صص ۱۹۱۳-۱۹۱۴) و دایرةالمعارف تشیع (ج ۱۲، صص ۳۵۷-۳۶۲ و ج ۲، صص ۲۴۶-۲۵۰) مورد مطالعه قرار داد.
- ۳۸- مجموعه الواح میلان، صص ۳۳۵-۳۳۶.